

به نام خدا

تأثیر نفت بر اقتصاد و تاریخ کویت

حمیدرضا قدیری

(مدرس دانشگاه)

انتشارات شیداس

۱۳۹۲

سرشناسه	: قدیری، حمیدرضا، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: تاثیر نفت بر اقتصاد و تاریخ کویت/ مولف حمیدرضا قدیری.
مشخصات نشر	: تهران : شیداسب، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۴۳۲ ص.: جدول.
شابک	: 978-600-6586-16-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: پایان نامه.
موضوع	: نفت -- کویت -- صنعت و تجارت -- جنبه های اقتصادی
موضوع	: کویت -- اوضاع اقتصادی
موضوع	: کویت -- تاریخ
رده بندی کنگره	: ۴۱۳۹۱ق۹۲ک/۹۵۷۴HD
رده بندی دیویی	: ۳۳۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۳۶۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۲۸۰۷۱

انتشارات شیداسب: میدان نور، خیابان دویست دستگاه، خیابان یازدهم.

پلاک ۷. واحد ۵- تلفن: 44118419



تاثیر نفت بر اقتصاد و تاریخ کویت

نویسنده: حمیدرضا قدیری

صفحه آرا و طراح جلد: آسیه بنائیان

چاپ: فرسیما

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۲

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۸۶-۱۶-۸

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تقدیم به :

پدر و مادر عزیزم که به من زندگی
بخشیدند و واژگان زندگی را برایم
حلاجی نمودند تا از الفبای آن برای
ارتقای دنیا و آخرتم استفاده کنم.
وبه همسر گرانقدرم به پاس صبر پر
ارجو بی مثالش که فرصت پژوهش
را با تمامی رنج هایش برای من فراهم
آوردند.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه ۹	
فصل اول: (مباحث نظری و تئوریک) ۱۹	
بخش اول : ۲۱	
ریشه واژه دولت ۲۱	
مفهوم دولت ۲۳	
پیشینه تاریخی و نظریه های عمومی دولت ۲۸	
ارکان دولت و ستفالی: ۳۴	
سرزمین ۳۶	
حاکمیت ۳۷	
جمعیت ۳۹	
حکومت ۴۱	
تفاوت دولت و حکومت ۴۴	
کارکردهای دولت ۴۶	
بررسی عوامل شکل گیری دولت - ملت ۱۶۴۸ م: ۴۹	
تعریف ملت ۵۴	
هویت قومی ۶۰	
هویت ملی ۶۳	
ملت سازی عصر پسا مدرن ۶۸	
دولت در جهان سوم ۷۶	

نگاهی به مکاتب عمده توسعه ۷۹

نوسازی ۷۹

وابستگی ۸۲

فرهنگ سیاسی ۸۴

انواع فرهنگ سیاسی ۸۸

فرهنگ سیاسی مشارکت ۸۹

جامعه پذیری سیاسی ۹۱

فرهنگ سیاسی در جوامع مختلف ۹۲

مشارکت سیاسی ۹۳

مشارکت زنان در امور سیاسی ۹۸

دولت - ملت سازی از ابزارهای دموکراسی ۹۹

بخش دوم : (مفاهیم رانت ، رانتیرسم و دولت رانتیر) ۱۰۴

مفهوم رانت ۱۰۴

دولت رانتیر ۱۰۸

تأثیر رانت بر روی ساختارهای دولت ۱۱۴

ساختار سیاسی ۱۱۵

استقلال دولت از مردم ۱۱۵

بی نیازی دولت از ایجاد فضای باز سیاسی ۱۱۶

تبدیل شدن دولت حداکثری به توزیع کننده ی حداقلی ۱۱۹

منابع رانتی و تأثیر آن بر توانایی استخراجی ۱۲۰

حاکمیت فضای رانتی بر اقتصاد کشور ۱۲۲

- مصرف زدگی اقتصاد رانتی ۱۲۴
- نقش رانت در اقتصاد دولتی ۱۲۶
- تأثیر رانت بر روی ساختار اجتماعی ۱۲۷
- تضعیف گروه‌های اجتماعی ۱۲۷
- رشد بوروکراسی اختاپوسی ۱۲۸
- پیامدهای اقتصاد و سیاست رانتی در چرخه فساد سیاسی ۱۳۱
- کارویژه های دولت رانتی در جوامع در حال گذار ۱۴۴
- فصل دوم: (شکل گیری دولت - ملت «وستفالی» در کویت) ۱۴۷
- ملاحظات تاریخی ۱۴۸
- تأسیس کویت ۱۵۷
- مختصات داخلی کویت ۱۶۰
- بررسی ساختارهای کویت ۱۶۲
- ساختار اقتصادی ۱۶۲
- ساختار اجتماعی ۱۷۱
- ساختار سیاسی: ۱۷۹
- مشارکت زنان کویت در امور مدنی - سیاسی ۱۸۲
- پیدایش نفت و واکنش عمده گروه‌های اجتماعی و سیاسی ۱۸۹
- خاندان حاکم ۱۹۷
- نگاهی به ابعاد اقتصادی منطقه خلیج فارس ۲۰۱
- ویژگیهای مشترک کشورهای حوزه خلیج فارس ۲۰۱
- نفت و اهمیت جهانی آن ۲۱۱

صنعت نفت کویت ۲۲۲

فصل سوم: دیدگاههای مثبت و منفی بر روند دولت - ملت یازی در کویت ۲۲۷

کویت گذار به دموکراسی یا شبه اقتدار گرایی ۲۲۸

عوامل محرک برای انتقال به سمت دموکراسی ۲۳۸

فرهنگ سیاسی در کویت ۲۳۹

نخبگان مبارز ۲۴۴

نظری بر برخی گمان های جامعه مدنی ۲۴۶

حمایت خارجی ۲۴۶

ویژگیهای دولت رانتیر کویت ۲۵۶

رشد بورکراسی ناکارآمد ۲۶۳

تأثیر رانت بر توان استخراجی دولت کویت ۲۷۹

هویت ملی و بحران هویت در کویت ۲۸۳

رابطه کویت با تأسیسات دموکراسی ۳۰۱

نتیجه گیری ۳۱۵

جداول ۳۱۸

فهرست منابع ۳۳۳

مقدمه:

کویت یکی از کشورهای ذره ای بر اساس جغرافیای سیاسی در منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس است. سرزمینهای فعلی خلیج فارس و عربی بیشتر متعلق به عصر امپراطوری عثمان است. سرزمینهای منطقه در خلال سالهای استعمارگران کهن مورد تاخت و تاز قرار گرفته است. روسیه عصر تزار و آلمان در کنار سایر کشورهای استعمارگر در تسلط بر کویت به رقابت پرداخته ولی بریتانیای کبیر بنا به سیاست های امپراطوری خود توانست بر منطقه سلطه یابد و بر اساس سیاست های ستی خود پس از فروپاشی امپراطوری بیمار عثمانی به تثبیت سیاست خود پرداخت. اگر چه بریتانیای کبیر در خلال دو جنگ اول و دوم جهانی فضای سیطره جهانی خود را با کاهش مواجه دید ولی این در حضور آن بر منطقه خلیج فارس مشکلاتی ایجاد نکرد.

اگرچه از گذشته های دور کویت تحت الحمايه ۱۸۸۹م. بریتانیای کبیر شده بود ولی شیوه های استعماری بریتانیا حتی بعد از جنگ دوم جهانی با توجه به افول قدرت امپراطوری معظم و جایگزین شدن سیاست های جهانی وی توسط آمریکا ،

انگلیس تا دهه ۱۹۷۰ میلادی در منطقه و خصوصاً کویت باقی ماند. در تاریخ منطقه این طور نوشته شده که کویت در سال ۱۹۶۱ م. مستقل شد.

با بررسی هایی که در ساختار قدرت این کشور به عمل آمده است عملاً شکل دهی دولت توسط قدرتهای خارجی بوده و بر این اساس امیران کویت از لیاقت و توانمندی ایجاد و اداره کشور کویت را نداشتند.

دولت به مفهوم وستفالیایی در کویت ایجاد شد به طوری که با منطقه بی طرف کویت ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع و بدون آن ۱۵۵۴۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. اما کویت یک کشور ساخته شده مصنوعی توسط دولت معظم بریتانیا بود.

کویت اگر چه به صورت یک ساختار سیاسی تشکیل شد ولی باید توجه داشت این کشور تولد دولت خود را مدیون انگلستان بوده و هست و بر این اساس کویت با آغاز اکتشاف نفت به عنوان یکی از مراکز مورد اهمیت از لحاظ اقتصادی مورد توجه بریتانیا قرار گرفت شرایط کویت در قرن ۱۹ و ۲۰ با یکدیگر به لحاظ ظاهری فرق کرد بدان صورت که از تحت الحمایگی به سمت شکل گیری دولت حرکت کرد ولی باید توجه کرد که کویت به لحاظ ساختاری با چه چالش هایی در عرصه

دولت و ملت مواجه بود و بالاخره در سال ۱۹۶۳ م. استقلال کویت به عنوان دولت مستقل در سازمان ملل پذیرفته شد.

از آن هنگام تاکنون کویت در راستای دولت - ملت سازی به گونه ی نوین با مشکلات و چالشهای عدیده ای به لحاظ ساختار سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی مواجه می باشد.

لازم است قبل از اینکه درباره کویت سخنانی بیان شود، پیرامون خلیج فارس توضیحاتی به سبب اهمیت و جایگاه آن در ابعاد موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داده شود. زیرا خلیج فارس قطعه زرخیز و ارزنده در دنیای پر تحرک اقتصادی و جهان سیاسی امروز است که از دیرباز تاکنون مطمح نظر سیاستهای بیدار جهانی قرار داشته و دارد. نظری هر چند اجمالی به خلیج فارس و گسترش سرزمینهای اطراف آن به ما نشان می دهد که چه سان این منطقه در مسیر راههای شرق و غرب قرار دارد و پیوند قاره های آسیا- اروپا و آفریقا و محل التقای ارتباطات این قاره هاست. علاوه بر اینها تقریباً تمامی نفت مورد نیاز صنایع عظیم ژاپن، نیمی از سوخت اروپای غربی حصه ای بزرگ از انرژی مورد نیاز آمریکا از این منطقه تأمین شود. با نگاهی گذرا متوجه می شویم قدرتهای بزرگ در ربع آخر

قرن نوزدهم برای نفوذ در خلیج فارس و یا پیدا کردن جای پای مناسب در این منطقه تلاش نموده و تدابیر مختلف بکار بستند و رنجها و مرارت‌های زیادی را تحمل نموده، تا نفوذ انحصاری خود را در این منطقه مستقر و مستمر نمایند. البته اهمیت خلیج فارس در قرن هشتم میلادی پس از ظهور اسلام و استیلای اعراب بر بین النهرین و حتی تسلط بر ایران و تأسیس خاندان خلافت عباسی در بغداد نمایان بود و این خلیج بصورت مهمترین راه ارتباطی بین بازارهای شرق و غرب قرار داشت. اتفاقاً این زمان مصادف بود با دوره طلوع کوكب اقبال اعراب در تمام جهان و زبانزده خاطرات شیهای طلائی عرب و شهرت بسزای بصره و دوران حوادث شنیدنی بازرگانان دریایی و غیره. عمده ترین کالاهاییکه در مغرب زمین هر لحظه تقاضای آن زیاد بود یکی انواع ابریشم و دیگری ادویه مختلف مشرق زمین بخصوص هندوستان بود. ابریشم نیز در آن زمان مورد احتیاج طبقه ثروتمند اروپا بود زیرا آنان برای ارضای طبع مد پرست آن ایام که لباسهای متنوع ابریشمی را دلیل بر تشخیص می دانستند نیاز مبرمی به این کالای شرق که وسیله تعین و تشخیص محسوب می شد در خود احساس می کردند، بخصوص که با گذشت زمان سیستم

خاص سرمایه داری طبقه غنی روز به روز بر ثروتش افزوده می شد و لذا به آسانی می توانست به این گونه ولخرجیها تن در دهد.

در میان حوادث متعدد در خلیج فارس، حمله تجاوزکارانه ی عراق به کویت و اشغال خاک آن کشور در اوت ۱۹۹۰ م که آخرین رخداد مهم منطقه ای بشمار می رود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چرا که زمینه ظهور دوران کاملاً جدیدی را هم در منطقه خلیج فارس و هم در صحنه سیاست جهانی و روابط بین الملل فراهم کرد. این دوران جدید عبارت از «نظم نوین جهانی» با ویژگیهای سیاسی و اقتصادی نوینی است که در مقایسه با دوران «نظام دو قطبی» قبل از آن، تفاوتهای فاحشی دارد همین امر منشأ یک رشته تغییر و تحولات عمیق سیاسی - نظامی در خلیج فارس شد که ترتیبات امنیتی جدید منطقه و استقرار ثابت نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس (در قالب ناوگان پنجم دریایی) از جمله آنها بشمار می روند. همین امر، وضعیت و شرایط جدید سیاسی - نظامی را بر کشورهای همجوار و سیاستهای منطقه ای خلیج فارس حکمفرما کرده است.

از لحاظ شکاف متراکم در نوع ساختار، ماهیت و جهت گیری های استراتژیکی نظامهای سیاسی، ایران دارای نظام جمهوری اسلامی پایه تکرر گرایی سیاسی نسبی

اعتقاد دارد، ضد غربی، ضد صهیونیستی، انقلابی و ضد ارتجاعی است، و شیخ نشین ها که رژیم های محافظه کار بر آن حاکم می باشند غرب گرا، سستی و آریستوکراتیک هستند و از حیث تاریخ تأسیس دولت ها در این منطقه، قدمت دولت ها کاملاً متفاوت است. کشور ایران، عمان و یمن از قدمت تاریخی برخوردار هستند و ایران دارای سابقه ی ائتدار دولت منطقه ای و جهانی همراه با استمرار تاریخی است. عراق و عربستان با وجود داشتن سوابق گسسته ی دولت، در پاره ای از مقاطع تاریخی، دولت هایی جدید با عمری حدود ۸۰ سال محسوب می شوند. سایر دولت های منطقه نیز از عمر متوسط ۳۰ تا ۳۵ سال برخوردار هستند.

در اوایل قرن بیستم میلادی به اهمیت خلیج فارس به عنوان یک ارزش دیگر نیز افزوده شد و آن کشف و استخراج نفت در ایران در سال ۱۹۰۸ م. بود و سپس به تدریج در کشورهای دیگر خلیج فارس نیز نفت کشف شد. در این موقع بود که کشورهای صنعتی نیاز آنها به سوخت نفت به جای زغال سنگ به لحاظ کاهش هزینه و هم افزایش قدرت مانور و سرعت کشتی ها شدت یافت. بر همین اساس، کشورهای قدرتمند با کشف نفت، سلطه خود بر کشورهای حوزه خلیج، به سبب

داشتن بیشترین ذخیره منابع نفتی جهان تحکیم بخشیدند. در این ارتباط کویت به عنوان دارنده ی منابع غنی نفت، اهمیت ویژه ای پیدا کرد.

بطور کل کشورهای صنعتی در راستای تأمین انرژی مورد نیاز صنایع رو به رشد خود، ساز و کارهایی در کشورهای هدف (نفت خیز) بوجود می آورند که اولاً امکان استخراج و صدور این منابع به شکل مطلوب وجود داشته باشد و ثانیاً تداوم صدور به بازارهای جهانی از طریق مصرفی کردن این کشورها و ادغام اقتصاد آنها در چرخه ی ساز و کارهایی بین المللی «مرکز» و «پیرامون» تضمین شود. و نیز رقابتی که در بین کشورهای بزرگ صنعتی برای دستیابی به میزان قابل توجه ای از انرژی نفت، با ورود کشورهای متقاضی جدید همانند: هند، چین و کشورهای جنوب شرقی آسیا به جمع مصرف کنندگان انرژی بر پیچیدگی و تنش و امنیتی شدن مسئله فوق افزوده شد.

کشور کوچک کویت دارای حکومت سلطنتی است که در سال ۱۹۶۱ م. اعلام استقلال کرد با این حال عضویت آن در سازمان ملل تا سال ۱۹۶۳ م. به عنوان صدور یازدهمین دولت در سازمان مزبور پذیرفته شد.

تا پیش از نفت ساکنان کویت با تجارت صید مروارید تأمین درآمد می کردند. کشف و استخراج نفت روح تازه ای در حیات سیاسی و اقتصادی این کشور دمید. بنابراین نفت، محور و سایر امور در پس آن قرار گرفتند. طی سالهای پس از پیدایش نفت، کویت از ثبات سیاسی قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است. این ثبات از تعدیل پیچیده و مخاطرآمیز تقسیم قدرت درون این شیخ نشین شده، یعنی طی آن، بازرگانان به عنوان نیروی عمده افول کردند و جای خود را به متحدان قدرتمندی از خاندان حاکم و طرفدارانی که از میان عامه ملت برخاسته بودند دادند. این اتحاد میان امیر و خاندانش و پایگاه مردمی جدید در دهه ۱۹۵۰ م. پایه ریزی شد و در دوران پس از استقلال، تغییر شکل یافت، تا در دگرگونی های سیاسی که با درآمدهای روزافزون نفت شتاب گرفته بود، هماهنگ شوند.

برای مطالعه انواع نظامهای سیاسی چندین رهیافت مورد استفاده قرار می گیرد یکی از رهیافتهای اقتصاد سیاسی می باشد در چارچوب این رهیافت که غالباً از دهه ۱۹۸۰ م. به مطالعات منطقه خاور میانه وارد شده است، در رهیافت مذکور به ارتباط بین دولت و جامعه و ساختار اقتصادی دولت توجه فراوانی می گردد از این منظر بر خلاف سایر رهیافت های مطالعاتی در منطقه خاور میانه به مواردی چون جنگ،

اختلافات تأکیدی کنند و در درباره توسعه کشورها بحث می شود. یکی از مفاهیمی که در چارچوب اقتصاد سیاسی مطرح شده است، مفهوم رانت و دولت رانتیر می باشد بر اساس مفروضات نظریه دولت رانتیر، یک دولت رانتیر به دلایل مختلف، با چالش اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به صورت صوری، مواجه نیست، زیرا به توسط درآمد رانتی، کشور دارای تنوع ساختاری (حزب، سندیکا، و شورای ملی) به عنوان شرط لازم برخوردار می شود اما ساختار مستقر فاقد استقلال عمل بعنوان شرط کافی می باشند، بر این اساس کویت، با داشتن شرایط و ویژگیهای خاص فوق قابل ارزیابی می باشد.

مطالعات تاریخی کویت نشان دهنده آنست که در این کشور، بهره برداری از منابع نفتی از سال ۱۹۳۸ م. آغاز، و درآمدهای حاصل از فروش آن باعث تحولات عظیمی در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شده است. در وهله نخست این درآمد عظیم موجب تغییر رابطه قدرت در سطوح فوقانی ساختار سیاسی و استقلال عمل دولت از بازرگانان به عنوان نیروی عمده اجتماعی سنتی در تصمیم گیری و اجتماعی گردید. و در مرتبه دوم تاثیر قابل ملاحظه ای درآمد مزبور در شکل گیری اولیه دولت-ملت به گونه ای دولت-کشورهای سال ۱۹۶۸ م. غرب شده است.

اما در این نوشته فراتر از آن تلاش می شود درآمد نفتی در این کشور را از دو منظر مورد بحث و بررسی و کنکاش قرار گیرد :

۱- چگونه یک منبع انرژی به عنوان ابزار تأثیر گذار در شکل گیری دولت-

ملت (وستانی) بکار گرفته شد؟

لذا در این قسمت ابتدا با توجه به ملاحظات تاریخی پیرامون چگونگی تأسیس کویت، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، خاندان حاکم و گروههای عمده و سیاست پیش از نفت، و آنگاه با پیدایش نفت به بیان عناوینی مانند: چگونگی تمرکز قدرت، ائتلاف خاندان حاکم، حضور چشمگیر استعمار انگلیس و رشد دیوانسالاری، سیاست های توزیعی، و به بیان دیگر به مطالعه مسئله تأثیر دسترسی به درآمدهای خارجی بر سیاست های داخلی کویت و با تأکید نهادن بر روش دولتها، فرمانروایان در شکل دادن به رابطه کشورهای قدرتمند و کشورهای ثروتمند پرداخته می شود.

۲- همچنین چگونه درآمد فوق به عنوان رانت نفتی در دست دولت حاکم مانع

از انجام توسعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به مفهوم دولت و

ملت سازی عصر نوین می شود؟

لذا منظور اینست نخست به کارکردهای مثبت درآمدهای نفت بر روند شکل گیری اولیه دولت- ملت و در ثانی آثار منفی درآمدهای صدر اشاره به عنوان عامل تاثیر گذار مهم مانع از انجام توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به مفهوم دولت - ملت سازی پسا مدرن در کویت مورد تفحص قرار گیرد.

درآمدهای نفتی کویت با توجه به شرایط حاکم ساختاری نظام بین الملل و فقدان مدیریت منابع در آن کشور بخشی از عرصه های اقتصادی و اجتماعی را تحت پوشش خود قرار داده ولی تمامی امکانات و امتیازات در اختیار شیوخ حاکم کویت بوده و این امر سبب شده که دولت کویت وابسته به حمایت های دولت های خارجی و در تعارض با منافع مردم قرار گیرد. عاملی که توانسته چنین وضعیتی را به صورت صوری سامان دهد درآمدهای مکتسبه رانتی (نفت) در خلال سالهای تشکیل دولت کویت تا به امروز بوده است و درآمدهای مذکور به رشد توسعه پایدار منجر نگردید و موجب پس افتادگی سیاسی، فرهنگی در کویت شد.

از سوی دیگر به اعتقاد اکثر اندیشمندان سیاسی، تحولات سیاسی، اجتماعی تاثیر متقابل با اندیشه های سیاسی دارد و دولت ها تا اندازه ای حاصل تحول اندیشه های سیاسی درباره مفهوم دولت بوده اند. بعبارت دیگر مطالعه سیر تحول عملی دولت از

دوران فقدان دولت تا دوره حکومت‌های نخستین جوامع کشاورزی، دولت-شهر، امپراطوری رم، قرون وسطی، فئودالیزم، ملوک الطوائفی، دولت مطلقه و دولتهای مدرن به دو شکل دولت - ملت و دولت لیبرال، چگونگی تأثیر و تأثر اندیشه سیاسی درباره دولت و تحولات سیاسی، اجتماعی را نشان می‌دهد.

اما در خصوص پدیده ی دولت-ملت باید اظهار داشت که آن از دستاورد کنگره وستفالی و عهدنامه سال ۱۶۴۸ میلادی دولت‌های اروپایی است که به جنگ‌های سی ساله این قاره که ریشه در اختلافات مذهبی-سیاسی داشت پایان داد و به حاکمیت ملت‌ها در چارچوب جغرافیایی ثابت بخشید. و نیز می‌توان گفت منابع ایجاد دولت مدرن تقریباً دولت مطلقه بوده و همه این گونه دولتها (مدرن) دولتی تک‌ملتی محسوب می‌شوند که نظام قضایی عالی دارند، در قلمرویی مشخص شده عمل می‌کنند و قدرتی انحصاری آن‌ها را پشتیبانی می‌نماید یا دست کم از پشتیبانی و وفاداری شهروندان برخوردارند بطور خلاصه عناصر متشکله دولت مدرن

شامل :

وجود قلمرو مشخص، ساختار غیر شخصی قدرت و مشروعیت مبتنی بر خواست مردم احصاء می شود. البته دولت مدرن دارای اشکال متفاوتی از قبیل دولت مشروطه، دولت لیبرال، دولت مبتنی بر دموکراسی نمایندگی و تک حزبی می باشد. در خاتمه عرض می شود این نوشته مشتمل به بر یک مقدمه و سه فصل است. در فصل اول اختصاص به دیدگاههای نظری و مباحث تئوریک راجع به مفاهیم دولت، ملت، دولت سازی مدرن، و دولت - ملت سازی پسا مدرن پرداخته شده است. در فصل دوم به موضوع تاثیر درآمدهای نفتی در شکل گیری اولیه دولت و ملت در کویت بحث و بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم درآمدهای حاصل از فروش نفت از دیدگاه مثبت و منفی بر روند دولت و ملت سازی به صورت عصر نوین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نیز خلاصه تحقیق و نتیجه گیری و برخی پیشنهادات ارائه شده است.